

نظری جدید درباره کتاب «کشف کشاف» و مؤلف آن

(ص ۵۰۴ - ۴۹۳)

سید محمد منصور طباطبائی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۲/۱۷

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۳/۲۰

چکیده

کتاب الکشف عن مشکلات الکشاف مشهور به کشف کشاف، شرحی است که در قرن هشتم بر تفسیر کشاف زَمَخْشَری (متوفی ۵۳۸ ه. ق) نوشته شده. نام مؤلف این کتاب در تذکره‌های قدیم و جدید بصورت‌های مختلفی ضبط گردیده. این مقاله در پی آنست که نشان دهد نام اصلی و کامل مؤلف «سراج الدین عمر بن عبدالرحمن بهبهانی فارسی» است و سایر نامهای ذکر شده در تذکره‌ها فاقد اعتبار است. همچنین در این پژوهش نام سایر تصانیف این نویسنده ذکر گردیده.

کلمات کلیدی

کشف کشاف، سراج الدین عمر، حاجی خلیفه، زرکلی، تفسیر قرآن

مقدمه

در این جستار برآنیم تا تحقیقی پیرامون کتاب ارجمند الکشف عن مشکلات الکشاف مشهور به کشف الکشاف و مؤلف آن عرضه نمائیم و چون طی جستجویی که نگارنده درباره این موضوع داشت، روشن شد که مآخذ کتابشناسی در تراجم متأخر در معرفی نویسنده این کتاب سخت بخطا رفته‌اند، بر خود دید که به اندازه توان و گنجایش زمان کنکاشی کند امید که مفید افتد.

کتاب الکشاف عن حقایق التنزیل تألیف محمود بن عمر زمخشری (م ۵۳۸) از مهمترین تفاسیر ادبی قرآن مجید است که از بدو تألیف، محل توجه دانشمندان و ادیبان قرار گرفت و نظر به رواج شگرف آن در مدارس و حوزه‌های علمی، شروع و حواشی متعددی بر آن نگاشته شده که از مهمترین آنها می‌توان از این کتاب یاد کرد که انصافاً وافی به مقصود و خواننده را دستگیر است، و نویسنده باستادی تمام از عهده برآمده است (و فیه فلیتنافس المتنافسون). نویسنده این کتاب سراج الدین عمر بن عبدالرحمن بهبهانی فارسی از افاضل ادبا و مفسران سده هشتم هجری، و از دانش آموختگان حوزه شیراز است. سفرهائی نیز به آذربایجان و عراق عجم داشته که طی آن، با دانشمندان آن ولایات مباحثات و انجمن‌های علمی و ادبی داشته است.

به گفته جنید شیرازی در شدّ الإزار ص ۸۶ وی از افاضل حوزه درس قوام الدین عبدالله شیرازی (م ۷۷۲) بوده کشف زمخشری را، بمدت چهار ماه در شیراز نزد وی خوانده است و حاشیه مفصل خود بر کشف را به نام الکشف عن مشکلات الکشاف از برکات و افاضات آن استاد تألیف کرد؛ البته او خود در دیباجه کتاب تصریح دارد که کتابش را هم از افادات آن استاد و نیز دیگر استادانش نگاشته و از خود تحقیقاتی بدان افزوده است.

بنا به گفته محمد قزوینی در ذیل شدّ لإزار ص ۸۶ خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی و سراج الدین عمر هر دو از شاگردان قوام الدین عبدالله شیرازی بوده‌اند؛ گر چه این همشاگردی بودن، ظاهراً در یک زمان نبوده و عصر سراج «صاحب کشف» مقدّم بر عصر حافظ بوده. و هم ایشان گفته: ظاهراً به همین مناسبت - علاوه بر مناسب بودن قافیه - بوده که مابین این همه کتب متداوله در عصر خواجه حافظ، فقط این کتاب نظر او را بنحو خاصی جلب نموده و نام آن را در بیت مشهور خود بیاورده:

بگیر دفتر اشعار و راه صحرا گیر
چه جای مدرسه و بحث کشف کشف است

و باید دانست که مؤلف در دیباجه تصریحی بر نام کتاب خود ندارد و بایستی دیگران این نام را از این عبارت مؤلف در دیباجه بر گرفته باشند که: «أشار الی أن أحرر فی الکشف عن مشکلات الکشف».

گفتنی اینکه بر پشت برگ آغاز نسخه‌ای از این کتاب که نزد نگارنده است چنین آمده است که مؤلف خود در آخر تفسیر سوره حج تصریح کرده که از پیروان شیخ الاسلام **شهاب الدین ابی حفص عمر سهروردی** است که البته نشان از ارادت به سلسله سهروردیه دارد نه اینکه مستقیم مرید وی بوده چرا که از نظر زمانی و تقدّم سهروردی بر سراج الدین، ارادت مستقیم ممکن نیست.

و دیگر گفتنی اینکه «صاحب کشف» در جوانی به سن ۳۸ سالگی در گذشته است و این اثر ارجمند با تمام اهمیتش ساخته روزگار جوانی او و البته سالهای پایانی عمر او است. ابن عماد حنبلی (م ۱۰۸۹) در شذرات الذهب ج ۶: ص ۱۴۴ تاریخ مرگ وی را به سال ۷۴۵ هـ در حدود ۳۸ سالگی ضبط کرده، او را به دانشوری می‌ستاید؛ بنابراین ولادتش حدود سال ۷۰۸ روی داده است.

مؤلف این کتاب ضبط منابع متقدّم همچون شدّ الإزار ص ۸۶، شذرات الذهب و طبقات المفسّرين سراج الدین عمر بن عبدالرحمن بن عمر بهبهانی فارسی است و نسبت وی در آن کتب باختلاف، یا فارسی است یا بهبهانی، که بهبهان نیز تا چند دهه اخیر جزء استان فارس بوده است. و در نسخه‌های کهن بازمانده از این کتاب همچون نسخه کتابخانه ظاهریه^۱ دمشق و کتابخانه «توپقاپی سرای» ترکیه نیز نسبت مؤلف همان بهبهانی است چنانکه در فهرست آن کتابخانه‌ها منعکس است. ولی حاجی خلیفه در کشف الظنون ۲: ۱۴۸۰ نسبت «قزوینی فارسی» را برای صاحب کشف آورده، و خیر الدین زرکلی در الاعلام ۵: ۴۹ نسبت مؤلف را به صورت: «**بهبهانی کنانی قزوینی فارسی**» آورده است که خواننده را به تأمل وامی‌دارد و جمع نسبت‌های یاد شده را مشکل می‌کند. و تا آنجا که نگارنده جستجو کرده است نخستین کسی که نسبت «**قزوینی**» را بر مؤلف کشف کشف ضابط کرده حاجی خلیفه در کشف الظنون ۲: ۱۴۸۰ و سپس همین خیرالدین است و اغلب معاصرین خصوصاً فهرست نویسان نسخ خطی به پیروی از این دو بویژه با استناد به الاعلام نسبت «**قزوینی فارسی**» را برای وی آورده‌اند از جمله مرحوم محمد قزوینی در ذیل شدّ الإزار ص ۸۶. برآستی حاجی خلیفه نسبت قزوینی را برای مؤلف کشف کشف ضابط از کجا آورده است؟ معاصرین خود «سراج الدین عمر» و مآخذ پیش از کشف الظنون همگی صاحب کشف

کشف را با نسبت فارسی یا بهبهانی یاد کرده‌اند. و ناگهان در قرن یازدهم هجری نسبت «قزوینی» برای وی چگونه سر بر آورد؟

پس از تأملی در این معنی و اندکی جستجو در کتب تراجم نتیجه‌ای فرادست آمد که عقده را گشود و راه را نمود؛ و آن اینکه در سده هشتم هجری یعنی عصر حیات «صاحب کشف» چهار تن از دانشمندان و اعلام این قرن با نام «عمر» و لقب «سراج‌الدین» میزیسته‌اند که همین نکته موجب خلط میان آنان گشته و حاجی خلیفه و پس از وی خیرالدین و پیروان وی را به بیراهه برده است و آن چهار تن عبارتند از:

۱ - سراج‌الدین عمر بن عبدالرحمن بن عمر بهبهانی فارسی متولد حدود ۷۰۸ و متوفای ۷۴۵ هـ مؤلف کتاب کشف کشف که ازو سخن رفت. ر.ک: شد الازار ص ۸۶، شذرات الذهب ۶: ۱۴۴.

۲ - سراج‌الدین عمر بن علی بن عمر قزوینی زاده ۶۸۳ و مرده ۷۷۵. وی از حافظان و محدثان نامدار عراق عجم در سده هشتم هجری است که سیوطی ازو با وصف «محدث العراق» یاد کرده. وی از ابوسعید رشید بن ابی القاسم و محمد بن عبدالمحسن دوالیبی حدیث شنوده و مجد الدین فیروز آبادی شیرازی مؤلف قاموس از وی روایت می‌کند. ر.ک: طبقات الحقاظ للسیوطی ص ۵۲۶ رقم ۱۱۵۸، ذیل طبقات الحقاظ للسیوطی ص ۳۵۸.

۳ - سراج‌الدین عمر بن رسلان بن نصر کنانی بُلْقینی شافعی زاده ۷۲۴ و مرده ۸۰۵ هـ.

وی بتاريخ ۱۶ شعبان ۷۲۴ در «بُلْقینه» واقع در غرب مصر بدنیا آمد. از جمله استادان و مشایخ وی می‌توان از تقی الدین سُبکی، بهاء الدین ابن عقیل و شیخ شمس الدین اصفهانی یاد کرد. وی در «خشابیه» واقع در زاویه امام شافعی در جامع عمرو عاص به تدریس میپرداخته، مدتی نیز متولی قضاء دمش بوده است.

تصانیف

۱ - شرح صحیح بخاری ۲ - شرح صحیح ترمذی ۳ - محاسن الاصطلاح و تضمین ابن الصلاح.

ر.ک: ذیل طبقات الحقاظ للسیوطی ص ۳۶۹ - ۳۷۰، لحظ الألحاظ بذیل طبقات الحقاظ ۲۶۰ - ۲۲۰.

۴ - سراج الدین عمر بن علی بن احمد انصاری شافعی، «ابن الملّقن»، زاده ۷۲۳ و مرده ۸۰۴. از مشایخ شافعیه و ائمه حدیث در سده هشتم هجری است. از میدومی و زین الرحبی و مغلطای حدیث شنود و در فقه و حدیث سرآمد همگنان گشت.

تصانیف

۱ - شرح صحیح البخاری . ۲ - شرح العمده . ۳ - المقنع فی المصطلحات .
ر.ک: ذیل طبقات الحفاظ للسیوطی ، ص ۳۶۹ .

با مراجعه به مآخذ یاد شده و اندکی تأمل پی خواهید برد که یکی از طرفه‌ترین وقایع کتابشناسی و شرح حال نویسی در حق سراج الدین بهبهانی رخ داده است. حاجی خلیفه، سراج الدین عمر بهبهانی و سراج الدین قزوینی را درهم آمیخته، و خیر الدین زرکلی فراتر رفته سراج الدین عمر کنانی بلقینی را نیز به آن دو افزوده سه تن را درهم آمیخته و شخصیتی بنام «سراج الدین عمر بهبهانی کنانی قزوینی فارسی» خلق کرده، به عالم تراجم و کتابشناسی نیاز کرده است، و دهها مؤلف و فهرست‌نویس به پیروی از وی این خطا را تکرار کرده‌اند؛ حتی دانشمند متتبع و محققمانند محمد قزوینی که البته در مورد ایشان صرفاً بجهت اعتماد به زرکلی این سخن را گفته و گرنه شأن ایشان اجل است .

برای اثبات مدّعی خویش نکات زیر را خاطر نشان میکنیم تا روشن شود که مؤلف کشف کشف سراج الدین عمر بهبهانی فارسی است نه سراج الدین عمر قزوینی، و نه سراج الدین عمر کنانی بلقینی، و نه سراج الدین عمر «ابن الملّقن»:

۱ - جنید شیرازی معاصر «صاحب کشف» در کتاب شد الإزار هیچ یادی از قزوینی یا بلقینی یا کنانی بودن وی نکرده و فقط از او با نسبت «الفارسی» یاد کرده و کتاب «الکشف عن مشکلات الکشف» او را نام برده است و میدانیم که بهبهان جز چند دهه اخیر، همیشه جزء خاک فارس بشمار میرفته است و فارسی خواندن «صاحب کشف» از این حیث است.

۲ - ابن عماد حنبلی (م ۱۰۸۹) تصریح به نسبت «بهبهانی» وی دارد و کتاب کشف کشف را از او نام برده، و هیچ وصفی از اوصاف یاد شده را ندارد. ر.ک. شذرات الذهب ۶: ۱۴۴.

۳ - چنانکه از گزارش حبیب السیر ۳: ۲۴۰ در شرح حال شمس الدین علی فارسی معروف به «صاحب کشف» برمی آید، نوادگان سراج الدین «صاحب کشف» نیز به لقب جدشان «صاحب کشف» نامیده میشده‌اند و نام خانوادگی آنان بوده است؛ مانند لقب «کاشف الغطاء» و «بحر العلوم» که امروزه برای نوادگان آن دو بزرگ در عراق مرسوم است. و از سوی دیگر ابوبکر طهرانی در تاریخ دیار بکریه ص ۵۱۷ ضمن یاد کرد از مولانا محمد

«صاحب کشف» - که قاعده از همان نبیرگان سراج الدین عمر بهبهانی - تصریح می‌کند: از بهبهان ولایت شیراز است و سلاطین او را بواسطه علو حسب محترم و سمو نسب مکرّم می‌داشتند». همانگونه که می‌بینید طهرانی تصریح به بهبهانی بودن نواده «صاحب کشف» دارد.

۴ - چنانکه پیش از این گذشت در نسخه‌های کهن کشف کشاف که نزدیک عهد مؤلف کتابت شده‌اند اثری از قزوینی بودن مؤلف در کار نیست و با نسبت بهبهانی مؤلف معرفی شده‌اند؛ مانند نسخه کتابخانه ظاهریه دمشق و کتابخانه «توپقاپی سرای»، ترکیه .
ر.ک فهرس مخططات دار الکتب الظاهریه، علوم القرآن، ج ۳ ص ۳۷۶ .

تصانیف

۱ - **الكشف عن مشكلات الكشاف** از معروفترین حواشی بر کشاف زمخشری است که در حوزه علمی شیراز قرنهای هشتم و نهم رواج فراوان داشته و از کتب درسی محسوب میشده است. حاشیه‌ای است مفصل به شیوه قال، اقول، مشحون از فوائد صرفی، نحوی، بلاغی و تفسیری. مؤلف بتاریخ سلخ صفر ۷۴۳ ه از تألیف کتابش پرداخته است و در کنار ترقیمه نسخه‌ای از کتاب که در اختیار نگارنده است گواهی فراغت از تألیف مؤلف چنین آمده: «فرغ من نقله عن السواد مؤلفه أقل خلق الله عمر بن عبدالرحمن المدعو بسراج أصلح الله حاله فی الدارین سلخ صفر سنه ثلاث و أربعین و سبعمائ».

به گفته شد الإزار این کتاب مجموعه تقاریر دروس مولانا قوام الدین عبدالله شیرازی (م ۷۷۲) در بحث کشف است که سراج الدین در ایام تحصیلش در شیراز بمدت چهار ماه متن کشف را نزد مولانا قوام مذکور خوانده است. (شد الإزار ص ۸۶). ولی خود مؤلف در دیباجه تصریح دارد که آن را از افادات استاد نامبرده و دیگر استادانش نگاشته و از خود نیز تحقیقاتی بدان افزوده است . نگارنده سالها است که بر اساس نسخ معتبر به تصحیح انتقادی آن اشتغال دارد امید که حقیقت کلام الله دستگیر شود. اگر باری تعالی حسن توفیق نصیب فرمود گزارش تصحیح و معرفی مبسوط نسخه‌های کتاب در مقاله‌ای جداگانه خواهد آمد.

۲- **الرساله المجدولة فی الاستثنائات المسلسله**. رساله‌ای مختصر است در مبحث استثناء از مباحث نحو عربی. مؤلف در دیباجه گوید که در برخی انجمن‌های علمی که با دانشمندان آذربایجان و عراق عجم داشته از وی در خواستند تا در بحث «استثناء» رساله‌ای بنگارد. و او به دنبال خواهش آن گروه و نیز خواهش برخی شاگردانش این کتاب را نگاشت. وی هم چنین در دیباجه گوید که: پیش از وی سکّاک (م ۶۲۶) در مفتاح العلوم، و

اسفراینی (م ۴۰۶) در لبّ اللباب فی علم الاعراب بدین موضوع پرداخته‌اند. گفتنی اینکه شیخ آقا بزرگ طهرانی در الذریعه این کتاب را معرفی کرده ولی مؤلف را شناخته است. ر.ک الذریعه ۱۱: ۲۲۴

نوادگان

همانگونه که گذشت مؤلف کشف کشف نزد مردمان روزگار خود به «صاحب کشف» نامبردار بوده و پس از وی همین نام بر نوادگان وی اطلاق گشت و تا مدتها این لقب نام خانوادگی فرزندان وی بود و تا کنون از میان کتب و اسناد به نام سه تن از نبرگان وی دست یافته‌ایم که لقب «صاحب کشف» داشته‌اند:

۱. سراج «صاحب کشف» بهبهانی

(.... - زنده ۸۰۳)

از علمای قرن هشتم هجری است و اوائل قرن نهم را درک کرده. گواهی وی در هامش خلافت‌نامه «شاه بابوی ولی» مورخ جمادی الاولی ۸۰۳ موجود است احتمال اتحاد وی با مولانا سراج مشهور منتفی است چرا که صاحب عنوان در سال ۸۰۳ ق. سند را گواهی کرده، حال آنکه وفات مولانا سراج مشهور به تاریخ ۷۴۵ ق. رخ داده است.

مأخذ: مجله وقف، میراث جاویدان، سال دهم، بهار ۱۳۸۱، ص ۱۸.

۲. مولانا شمس الدین علی «صاحب کشف»

(... - زنده ۸۷۳)

از اعیان علمای سده نهم هجری، و از خاندان معروف به «صاحب کشف» است، وی معاصر سلطان میرزا ابوسعید تیموری (م ۸۷۳) و از نزدیکان وی و مقیم هرات بوده و در «مدرسه غیائیّه» آن شهر به تدریس اشتغال داشته. چندی نیز ملازم سلطان حسین بود و به تاریخ‌نگاری روزگار وی مشغول، تا اینکه رنجیده دل گشته، به خدمت سلطان میرزا محمود درآمد.

در حبیب السیر، ضمن ذکر برخی اعظم سادات و مشایخ معاصر سلطان یاد شده از صاحب عنوان چنین یاد شده:

مولانا شمس الدین علی فارسی، اعلم علماء زمان و افضل فضلاء دوران؛ سلطان سعید نسبت به آن جناب، التفات و عنایت بسیاری می‌فرمود و چون نسبش به مؤلف کشف کشف می‌رسید، به «صاحب کشف» مشهور گردید. سالها در بلده فاخره هرات، در مدرس شریف

غیاثیه به درس و افاده اشتغال داشت و نقوشِ دقیقِ طبع نقاد و ذهن وقاد در امر صحایفِ ضمائرِ طلبهٔ علوم می‌نگاشت.^۱

به گفتهٔ میرزا حسین فسائی در فارسنامهٔ ناصری سلطان ابوسعید به سال ۸۷۳ به عزم تسخیر ممالک عراق، آذربایجان و فارس از هرات به راه افتاد و در راه بود که از اغلب ولایات ایران نامهٔ انقیاد و اطاعت به او رساندند. وی در این هنگام، حکمرانی فارس را به امیر نظام الدین احمد بن غیاث الدین علی برلاس اعطا کرده، روانه‌اش نمود. از آن سو امیر سیدی علی که از طرف جهانشاه ترکمان والی فارس بود، به پیشواز نظام الدین احمد رفته، او را شکست داد. چون این خبر به سلطان ابوسعید رسید، صاحب عنوان را به رسالت، نزد امیر سیدی علی مزبور به فارس گسیل داشت، تا نامبرده را به اطاعت فرا خواند. چون «صاحب کشف» به شیرزا آمد و پیغام رسانید، امیر سیدی علی در پاسخ گفت: چون موکب همایون به این صوب رسید، مملکت شیراز را تسلیم گماشتگان آن حضرت کنم.^۲

و به گفتهٔ حبیب السیر «بعد از فوت سلطان [ابوسعید] و طلوع دولت سلطان حسین میرزا، جناب مولوی چندگاهی به نوشتن تاریخ وقایع آن حضرت مشغولی کرد. و بالاخره از خدام بارگاه سلطنت رنجیده، به «حصار شادمان» شتافت، و پرتو انوار عواطف میرزا سلطان محمود بر وجنات احوالش تافت. و هم در آن ولایت ساکن می‌بود، تا وقتی که از جهان گذران انتقال نمود».

مأخذ: حبیب السیر جزء سوم، ج ۳، ص ۲۴۰؛ فارسنامهٔ ناصری، ج ۱، ص ۳۴۹؛ مطلع السعدین، ج ۲، ص ۱۳۲۶.

۳. مولانا شمس الدین علی «صاحب کشف»

(.... - بعد ۸۲۶)

از دانشمندان و اعیان فارس در نیمهٔ اول قرن نهم و نبیرهٔ مولانا سراج الدین عمر بهبهانی (م ۷۴۲) مؤلف کشف کشف است.

وی از مقربان شاه منصور آل مظفر (م ۷۹۵) حکمران فارس بوده، و ظاهراً مدتی مقام صدرات وی را داشته. او همچنین معاصر و دوست مولانا جلال الدین حسین بهبهانی، معروف به «شاه بابای ولی»، و نیز معاصر حاجی ناصرالدین عمر مرشدی (م ۸۲۶) است. شمس الدین محمد عمری مرشدی در کتاب معدن الدرر - که در مقامات جدش حاجی ناصرالدین عمر لر (م ۸۲۶) تألیف کرده - صاحب عنوان را چنین می‌ستاید: «قدوةٔ صدور

الزمان، أسوة علماء الأوان، شمس الملة و الدين» و «مولاناى اعظم اعلم، افتخار العلماء و المحدثين»^۱.

بنا به تصریح همو در معدن الدرر حاجی ناصر الدین عمر مرشدی مزبور، صوفی و قطب سلسله مرشدیه کازرون، از صاحب عنوان اجازه روایت داشته و داستان کسب اجازه وی از مولانا شمس الدین را چنین گزارش می‌کند:

نقل است که در آن زمان که آن حضرت [حاجی ناصرالدین عمر] در «بادام شیرین»^۲ بود، مولانا شمس الدین علی - که از نبیره صاحب کشف بود - روزی پادشاه شیراز، شاه منصور را به خدمت آن حضرت آورد و به تعریف پادشاه مشغول شد. آن حضرت زیاده التفاتی به شاه منصور نفرمود و فرمود که: می‌خواهم که چون شما را در علم حدیث سند عالی هست، این ضعیف را نیز همان سند باشد. پس مولاناى مشارّ الیه حدیث «الراحمون یرحمهم الرحمن، ارحموا من فی الأرض، یرحمکم من فی السماء» را بر آن حضرت خواند که این طریقه در سند حدیث اعلی است از آنکه او بر شیخ خواند. بعد از آن، آن حضرت نیز چند حدیث به ایشان خواند و ایشان استماع فرمودند و اجازت قرائت حدیث، ایشان را دادند.^۳

یکی از کرامت گونه‌های شیخ ناصرالدین مزبور در معدن الدرر نیز به نقل از همین صاحب عنوان است.^۴

آنچه در پایان شرح حال باید بدان پرداخت، کشف ارتباط صاحب عنوان با شمس الدین علی «صاحب کشف» است که پیش از این شرحش گذشت. آیا صاحب عنوان همان شمس الدین علی «صاحب کشف» است یا جز او است.

در معدن الدرر نام صاحب عنوان، شمس الدین علی و نبیره سراج الدین عمر «صاحب کشف» معرفی شده که معاصر شاه منصور آل مظفر (م ۷۹۵) بوده، و یک بار شاه منصور را که متوفای ۷۹۵ است به نزد، قطب سلسله مرشدیه، یعنی ناصرالدین عمر لر متوفای ۸۲۶ برده و شاه را بدو معرفی کرده است؛ که قطعاً این داستان پیش از سال ۷۹۵ روی داده، و شمس الدین علی در این تاریخ حداقل مردی میان سال بوده.

از سوی دیگر بنا به تصریح حبیب السیر، مولانا شمس الدین علی، نبیره سراج الدین - که به تبع جدش به «صاحب کشف» شهرت داشته - از معاصران و مقربان سلطان میرزا

۱ - معدن الدرر، ص ۲۲، ۸۲.

۲ - اسیم مکانی از توابع کازرون است.

۳ - معدن الدرر، ص ۲۲.

۴ - همان، ص ۸۲ - ۸۳.

ابوسعید تیموری بوده، و به سال ۸۷۲ ق. به سفارت از سوی سلطان مزبور به شیراز می‌رود. آیا شمس‌الدین علی نبیره سراج‌الدین «صاحب‌کشف» که قبل از ۷۹۵ ق در میان سالی بوده، می‌تواند همان شمس‌الدین علی نبیره سراج‌الدین «صاحب‌کشف» باشد که به سال ۸۷۳ ق؛ یعنی دست‌کم ۷۸ سال بعد به عنوان سفارت به شیراز برود؛ که عادتاً ممکن نیست؛ مگر عمری بسیار طولانی برای شمس‌الدین فرض کنیم! پس با عنایت به آنچه گذشت، شمس‌الدین علی یاد شده در معدن‌الدرر، غیر از شمس‌الدین علی مذکور در حبیب‌السیر است و حدود هشتاد سال مقدم بر اوست. و با توجه به اینکه در هر دو منبع یاد شده، هر دو شمس‌الدین علی، نبیره سراج‌الدین «صاحب‌کشف» معرفی شده‌اند، دور نیست بنا به سنت مرسوم قدما - که نام و حتی لقب پدر را بر فرزندشان می‌نهادند - یکی را نوه دیگری حدس بزنیم؛ و به همین سبب بود که دو مدخل به نام «شمس‌الدین علی» قرار دادیم؛ هر چند اتحاد هر دو شمس‌الدین محال عقلی نیست.

مأخذ: معدن‌الدرر، ص ۲۲ و ۸۲.

۴. مولانا محمد «صاحب‌کشف» بهبهانی

(ق ۹)

از دانشمندان و فقهای شافعی سده نهم هجری و ساکن هرات بوده، و مانند دیگر بزرگان خاندانش به تبع لقب جدشان مولانا سراج، به نام «صاحب‌کشف» نامبردار بوده است. وی از بهبهان به هرات هجرت کرده، سالها به استفاده از دانشمندان آن سامان و نیز به افادت و پرورش شاگردان پرداخت. و سلاطین و اعیان عصر او را بزرگ می‌داشتند. بنا به گزارش ابوبکر طهرانی در کتاب تاریخ دیار بکرته، سلطان ابوسعید میرزا تیموری پس از فتح عراق عجم، وی را به نمایندگی خویش از هرات به شیراز، نزد سیدی علی بیگ، حاکم دست‌نشانده جهان‌شاه میرزا قره‌قوینلو - که سر استقلال و خودسری داشت - گسیل کرده، او را به اطاعت و انقیاد فراخواند. او نیز ضمن تعظیم و تکریم مولانای بهبهانی، وی را با پیشکشهای فراوان به همراه خواجه قوام‌الدین محمد شیرازی از اعیان شیراز، به هرات نزد ابوسعید برگرداند. ابوبکر طهرانی داستان سفارت مولانا محمد را چنین گزارش می‌کند:

«سلطان ابو سعید میرزا عراق را در حوزه تصرف کشید و زبده الافاضل مولانا محمد صاحب‌کشف را - که از بهبهان ولایت شیراز است و سالها بود که از وطن خود دور افتاده، در هرات به استفاده و افاده اشتغال داشت و سلاطین او را به واسطه علو حسب و سمو نسب مکرّم می‌داشتند، به رسالت از حدود خراسان در وقت یورش عراق بجانب شیراز فرستاد و «سیدی علی» را به آستان طاعت و فرمانبرداری خود دعوت نمود الخ» .

در حبیب السیر این سفارت عیناً به مولانا شمس الدین علی «صاحب کشف» منسوب شده که ذکرش گذشت و شاید این دو تن یکی باشند و الله العالم!
ر.ک: تاریخ دیار بکره ص ۵۱۷.

نسخه‌ها

- ۱ - تهران ، ملک ، ش ۲۸۸۰/۵ ، مورخ ۵ ذی الحجة ۱۰۳۰.
- ۲ - تهران ، ملی ، ش ۳۰۰۵/۳ ، مورخ ۱۰۸۹ ، کاتب میر صالح حسنی مازندرانی.
- ۳ - کرمانشاه ، جلیلی ، ش ۳۱۵/۵ ، مورخ رمضان ۱۰۴۶.
- ۴ - قم ، مرکز احیاء ، ش ۴۲۱۷/۲۳ ، مورخ ربیع الأول ۱۱۱۵ ، کاتب: محمد بن بدوی جزائری عسکری .

دو عنوان دیگر نیز در مآخذ به وی منسوب شده که اثبات استنادشان به سراج «صاحب کشف» احتیاج به پژوهش و دقت دارد که در حوصله این مقال نمی‌گنجد و آن دو عنوان عبارتند از:

- ۱ - المشیخه السراجیه مجموعه اجازاتی است که مشایخ و اساتید مؤلف بدو داده‌اند و نسخه‌ای از آن به شماره ۵۳۱ در کتابخانه فیض الله افندی ترکیه هست که عجالتاً احتمال می‌دهیم تألیف سراج الدین عمر بن علی قزوینی (۶۸۳ - ۷۷۵) باشد.
- ۲ - نصیحه المشفق لمن ابتلی بحب المنطق این کتاب در معجم المؤلفین به سراج «صاحب کشف» منسوب شده. ر.ک : معجم المؤلفین.

نتیجه

در قرن هشتم یعنی زمان حیات نویسنده کتاب کشف کشف، چهار دانشمند با نام عمر و لقب سراج الدین میزیسته‌اند و همین امر، باعث خلط بین نامهای ایشان شده، این چهار تن عبارتند از: سراج الدین عمر بن عبدالرحمن بن عمر بهبهانی فارسی، سراج الدین عمر بن علی بن عمر قزوینی‌زاده، سراج الدین عمر بن رسلان بن نصر کنانی بلقینی شافعی، سراج الدین عمر بن علی بن احمد انصاری شافعی که از میان نخستین نفر نویسنده واقعی کشف کشف است.

منابع

- شده الإزار فی مزارات شیراز، جنید شیرازی، تصحیح محمد قزوینی، عباس اقبال. شذرات الذهب، ابن العماد الحنبلی، عبدالحی بن احمد (۱۰۹۸ - ۱۰۳۲) بیروت - دار احیاء التراث العربی ق ۱۹ م - ۱۴ هـ
- طبقات المفسرین، شمس الدین محمد بن علی بن احمد داودی (۱۳۹۲ = ۱۹۷۲)، تحقیق علی محمد عمر، مکتبه رهبة.
- طبقات الحفاظ، جلال الدین عبدالرحمن السیوطی (۱۳۹۳ = ۱۹۷۳)، تحقیق علی محمد عمر، مکتبه وهبة.
- الأعلام، خیر الدین الزرکلی (ایار ۱۹۸۰)، دار العلم للملایین، الطبعة الخامسة.
- الذریعة إلى تصانیف الشیعة، آقا بزرك طهرانی، انتشارات اسماعیلیان، افست.
- كشف الظنون، حاجی خلیفه بغدادی (۱۳۶۰ = ۱۹۴۱)، تصحیح محمد شرف الدین یالتقایا، رفعت بیلگه الكلیسی استانبول.
- معجم المؤلفین، عمر رضا كخاله (۱۴۱۴ = ۱۹۹۳ = ۱۳۷۲)، بیروت، مؤسسه الرسالة، (۱۴ ج).
- غایة النهاية فی طبقات القراء، ابن جزری، محمد بن محمد (۷۵۱ - ۸۳۳)، قاهره، الخانجی، ۱۹۳۲ - ۱۹۳۵، ۳ ج در ۲ مجلد.
- الدرر الكامنة فی أعیان المائة الثامنة، ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۸۵۲ - ۷۷۳)، مصحح: سالم الكرنكوی الألمانى، بیروت، دار إحياء التراث، ۴ ج.
- ذیل طبقات الحفاظ، جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (۱۳۴۷ هـ)، مطبعة التوفیق، دمشق.
- لحظ الألاحظ بذیل طبقات الحفاظ، تقی الدین محمد بن فهد الهاشمی المکی (۱۳۴۷ هـ)، مطبعة التوفیق.
- دانشمندان و سخن سرايان فارس، محمد حسین ركن زاده آدمیت، اسلامیه.
- دستنوشته‌های ایران، مصطفی درایتی (۱۳۹۰)، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- کتاب دیار بگریه، ابوبکر طهرانی (۱۳۹۷ = ۱۳۵۶ ش)، تصحیح: نجاتی لوغال، فاروق سومه، با مقدمه و حواشی فاروق سوور، تهران - کتابخانه طهوری.
- حبيب السير فی أخبار أفراد البشر، غیث الدین بن همام الدین الحسینی (۱۳۳۳)، خواندمیر، مقدمه جلال الدین همائی، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران، خیام، چهار ج.
- معدن الدرر فی سیره الشیخ حاجی عمر، عمری مرشدی، محمد بن سلیمان (۱۳۸۳)، ق ۹، تصحیح و مقدمه: عارف نوشاهی - معین نظامی، تهران، کازرونیه.
- مجله وقف میراث جاویدان، سال دهم، بهار ۱۳۸۱.
- فهرس مخطوطات دار الكتب الظاهرية، علوم القرآن، صلاح محمد الخیمی، دمشق، مطبوعات مجمع اللغة العربیة، ۱۴۰۳ = ۱۹۸۳، ۳ ج.
- معجم تاریخ التراث الإسلامی فی مکتبات العالم، علیرضا قره بلوط، ترکیه.
- تذکره هزار مزار = ترجمه شده الإزار، عیسی بن جنید شیرازی ق ۹، تصحیح نورانی وصال، شیراز.